

بريژون

(مجموعه دوبيتي)

سرواينده

علي نوري

مقدمه، نويس و ويراستار

دکتر احمد کنجوري

سرشناسه	: نوری، علی، ۱۳۵۳ آذر-
عنوان و نام پدیدآور	: بریژون (مجموعه دوبیتی) / سراینده علی نوری؛ مقدمه نویس احمد کنجوری.
مشخصات نشر	: دلفان: قریحه، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری	: ۱۹۹ ص.
شابک	: ۹۶۲۲-۹۰۳۳۴-۹-۳۹۷۸-
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: دوبیتی های لکی
Couplets, Laki	
شناسه افزوده	: کنجوری، احمد، ۱۳۶۰- مقدمه نویس
رده بندی کنگره	: PIR3۲۲۸۶
رده بندی دیویی	: ۸۱۹/۳۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۴۶۴۵۹۴
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیبا

عنوان کتاب:	بریژون
شاعر:	علی نوری
ناشر:	نشر قریحه
مقدمه نویس و ویراستار:	دکتر احمد کنجوری
صفحه آرای:	روح اله سیف
طراحی جلد:	دکتر رضا نظری
عکاس:	سوسن توریان
نوبت چاپ:	چاپ اول
شمارگان:	۲۰۰ نسخه
شابک:	۹۷۸-۶۲۲-۹۰۳۳۴-۹-۳۹۷۸-
قیمت:	۱۰۰۰۰ تومان
تلفن مرکز پخش:	۰۶۶۳۲۷۴۴۹۱۹-۰۹۱۶۶۶۰۵۴۵
پست الکترونیکی:	nashrgharihe@gmail.com



نشر قریحه: لرستان، دلفان، خیابان امام، کوچه شهید کاظمی، کلینیک مهر، طبقه سوم

تلفن: ۰۹۱۶۶۶۰۵۴۵-۰۶۶۳۲۷۴۴۹۱۹

مقدمه

هرگاه رنگین کمان زبان‌های ایرانی را می‌نگریم، درمی‌یابیم که زبان رنگین و شیرین لکی که ریشه در تاریخ دور و دراز ایران زمین دارد، در میان زبان‌های رنگارنگ ایرانی جلوه ویژه‌ای دارد.

زبان لکی با پیشینه‌ای دور و دراز از گروه غربی شمالی زبان‌های ایرانی است. در سخن گفتن و گفت‌وگوی روزانه لک‌زبانان نیز رگه‌هایی از وزن و هارمونی و آهنگ هست. سروده‌های لکی در گذشته‌ها، وزن هجایی داشته‌اند. هر مصراع مثل وزن دوری به دو نیم مصراع تقسیم و در هر نیم مصراع، پنج هجا می‌آمده است. با وجود این ویژگی، ناگفته نماند که شعر لکی قدیم به دلیل داشتن وزن هجایی، از اوزان همسان دولختی و دوری که از اوزان عروضی هستند، متمایز است.

علی نوری، فرهنگی و شاعر دلفانی، در سال ۱۳۹۲ سروده‌هایش را در کتابی با عنوان «صدای خیال» منتشر کرد و با این اثر خود را به عنوان شاعری توانمند معرفی کرد.

صدای خیال، مجموعه سروده‌های عاشقانه و اجتماعی است که در قالب‌های غزل، دوبیتی و رباعی به زبان فارسی سروده شده‌اند.

در سال ۱۳۹۶ با انتشار «سوزده‌سوار» که در بر دارنده سروده‌هایی با توش و توانی دوچندان بود، مسیر شاعری خویش را ادامه داد. نوری در این مجموعه، سروده‌هایی به زبان لکی که بیشتر آنها دارای وزن هجایی است، در قالب‌های غزل، مثنوی و ترجیع‌بند ارائه کرده است. در «سوزده‌سوار»، موضوعاتی همچون انتظار و رخداد عاشورا مکرر است.

سراینده «صدای خیال» و «سوزه سوار»، در ادامه مسیر شاعری، در کتاب حاضر با عنوان «بریزون» دوبیتی‌هایی با وزن عروضی را به دست داده است که نشان از تسلط سراینده بر عناصر شعر است. «بریزون» از محدود دوبیتی‌های لکی می‌باشد که به زبان لکی چاپ و نشر شده است.

در دوبیتی‌های علی نوری، موضوعات غنایی پربسامد و پس از آن، سروده‌های اجتماعی، اندرزی و وصف طبیعت دلکش دلفان و لرستان مکرر است.

در قرون نخستین فارسی دری، قصیده شعر دربار بود و در این قالب شعری، بیشتر به مدح پادشاهان، وزیران، امیران و دیگر افراد فرادست جامعه می‌پرداخت و به زندگی، آرزوها، احساسات و عواطف فرودستان و لایه‌های پایین جامعه کمتر توجه می‌شد. به همین دلیل جلوه‌های اشرافی‌گری در زبان قصاید و شکوه بارگاه‌ها و درخشش خیرکننده آئین‌های کاخ‌ها به زبان شاعران دربار نیز سرایت کرده و تأثیر گذاشته بود. در برابر این طرز و شیوه روستاییان، ایلات، چوپانان و مردم عادی، قالب دوبیتی را برای واگویی و بیان احساسات و عواطف پاک خویش برگزیدند و با زبانی بومی، محلی خویش، جلوه‌های زندگی ساده و صمیمانه خویش را در این قالب شعری به نمایش گذاشتند. البته بر خلاف قصیده به معنای مصطح آن، دوبیتی پیشنهاد دور و دراز دارد و پیش از ورود اسلام به ایران، دوبیتی را فهلویات (پهلویات) می‌گفته‌اند. مقایسه قصاید و دوبیتی‌ها، ابعاد گوناگون تاریخی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، روان‌شناسی و... کاخ‌نشینان و غیرکاخ‌نشینان (فرادستان و فرودستان) را بر ما می‌نمایاند و از این رهگذر بسیاری از جلوه‌های سبک زندگی، هویت‌اندیشی، آرزوها، درد و رنج‌ها، باورها و... بر ما آشکار می‌کند.

علی نوری، همچون سرآمد دوبیتی‌سرایان، باباطاهر لک زبان، بیشتر احساسات خود را در قالب دوبیتی ریخته‌گری می‌کند. من فردی سراینده، گاه با زبانی نرم و دلنشین که با سرشت دوبیتی سازگار است، رخ می‌نماید. گاه نیز رسالت خود را به زبان

لکی به گونه‌ای دیگر ایفا می‌کند و در کنار واژه‌های ساده و امروزی، واژه‌هایی را از نه‌توی تاریخ زبان لکی فراخوانی می‌کند و روح و جان تازه‌ای در کالبدشان می‌دمد. برخی از این واژه‌ها در ذیل آمده است:

نُزِیل: تاریکی مطلق، سیاهی؛ یال: غش کردن، بی‌هوش شدن، یک نوع بیماری؛ دِفْناک: نفس نفس زدن؛ خِراره: جمع شدن، انبار شدن؛ گارُم: چوبی مخصوص که هنگام شخم زدن گاوها را با آن می‌رانند یک سر آن خار و سر دیگر آن یک کفه مانند برای پاک کردن گاوآهن داشت؛ مِرت مِرت: ته مانده مشک آب؛ هَشکوره: یک نوع مراقبت از مرغ‌ها و جوجه‌ها در برابر حملات پرندگان شکاری؛ سَخْتی: پیام فرستان، تاکید کردن؛ هُروف: حلاجی شده از هم باز شده، فرو رفتگی زمین؛ تیرِز بَنه رو: پستی‌ها و پلندی‌ها، زیر و بم کارها، تمام جزئیات.

سراینده «بریزون» به دلیل داشتن دانش و مطالعات ادبی، چه به صورت آزاد و چه به شکل تحصیلات دانشگاهی، آرایه‌ها و ابمازهای ادبی برخاسته از بیان و بدیع را به خوبی می‌شناسد و پیرایه سخن موزون خویش می‌کند.

ویژگی بیشتر دوییتی‌ها، بهره‌گیری از جلوه‌های بدیع لفظی علی‌الست. روابط متعدد آوایی و موسیقایی کلام و جلوه‌های گوناگون موسیقی درونی، کناری میانی و معنوی سبب گوشنوازی سروده‌ها و ایجاد هارمونی موسیقایی ویژه‌ای شده است.

برخی از آرایه‌هایی که دوییتی‌های «بریزون» را زیبایی دوجندان بخشیده‌اند، در ادامه می‌آید:

جناس همسان (تام):

ا دنیا ناکس کی تر مه گیره
خمی چه بی‌ستوین آر سر مه گیره
چه جر بارم ا دلیا من؟ هنی جر
قلاو ویر تو آر جر مه گیره
جر: ۱. چرخیدن و پیچیدن ۲. حلقه قلاب ۳. جگر.

جناس مرکب یا مرفوعاً یا جناس تکیه (دو واژه که جناس همسان هستند، در تکیه اختلاف دارند. به قول استادان دستور زبان، یکی در حکم بسیط و دیگری مرکب است.):

اواگیزه ستم، دل چوپنجایه چه کم، چه دس منه؟ خم جوی چایه
اره قه لپ دلم هر خم بیایه خابوره خمه، دل مه زیایه

ایهام:

اخه ویرت بکم، ویر آر خماریم قرار از دس چیه، از بی قراریم
وری بوری یرس آر زام کاریم نیه تووه دلم، مر آخ و زاریم
تووه: ۱. توبه کردن ۲. ناحیه، منطقه.

نمونه دیگر:

کموتر شوق اسیر باز ویره خم دویری آرانم چوین تیره
اگر فم کی دل ناله دروینم انوما آر گل دویری توگیره
تیر: ۱. گلوله ۲. تیر ماه که فصل گرمای سوزان است

ایهام تناسب:

اگر یارم تونی لونم آرانین وگر جارم تونی تونم آرانین
اگر بشت منی، گشت کسی مه ننیشی آر پئی، شونم آرانین
جار: ۱. داد و فریاد، آواز من (که منظور شاعر است) ۲. زمین کشاورزی - که در
این جا منظور نیست - با واژه «تون» تناسب دارد.

در برخی از دوبیتی‌های مجموعه «بریزون» تضمین‌ها، اشارات و تلمیحات گوناگون بر بستری از بینامتنیت، دستمایه‌ی هنری سراینده به شمار می‌آید. نمونه‌هایی از بینامتنیت آیات، ابیات، مثل‌ها و داستان‌ها در بی آورده می‌شود:

بینامتنیت آیات:

چنی ناله بکم از دل تر یاس اسیر دس خمل، بی جم ری کاس؟
کمین کردی ستم، بو به نجام خدایا «من شر الوسواس خناس»

نمونه دیگر:

آخه قویچانمه سفره آنس و نه جق نق بشنوم، نه خزا حس، تا
آ سختی راضی ام، سختی بکیشم ا روزی خونمه مه «عسر یسرا»

بینامتنیت امثال و زبانزدهای لکی:

دل ویلم چنی دل تر بنیشی ا خم هر بی کس و ار پر بنیشی
وری بوری بنیش ارین کشم هر رمی دویرا گوی شون ار بنیشی
که به مثل لکی زیر اشاوه دارد «رن هر دویرا گوی ار شون بنیشی»
[و مراقبت نکنند].

بینامتنیت ابیات:

نه ار نااهل دل، در کم بدل دس نه دس بارم برم ار ناکس و کس
نیامه پا قنایت محکم ار نئس یسه دارام اگر ناو اگر هس
این دوبیتی به پیش متنی از صائب تبریزی اشاره دارد (دست طمع جو بیش کسان
کرده ای دراز / پل بسته ای تا بگذری از آبروی خویش).
نمونه دیگر:

وتم دردت اکولم بو، خمت هم اسیر ویرتم، خُمجه دمت هم
وتی آلو مری آرخاونی باز: بلاها دل تره، هر دک خمت هم
به دوبیتی زیر از باباطاهر اشاره دارد:

که هر چه دیده ببند دل کند یاد
زنم بر دید تا دل گردد آزاد

ز دست دیده و دل هر دو فریاد
بسازم خنجری نیش ز یولاد

بینامتنیت داستانی:

نه نسرنی نه از نسرن موشم نه پروینی نه از پروین موشم
ا فرهاد دل زارم شنفتم: تو شیرینی آیه شیرین موشم

در بیت نخست ترصیع، زینت‌بخش سخن شده است. در بیت دوم، علاوه بر اضافه‌تشبیهی (فرهاد دل) و استعاره مکنیه، آرایه‌هایی همچون تلمیح، حسن تعلیل و جناس همسان (شیرین، شیرین) نیز بزم‌آرای سخن هستند. در این تلمیح، داستان شیرین و فرهاد (خسرو و شیرین) پیش‌متن محسوب می‌شود.

علی نوری در «بریزون» گامی استوار و بلند در وادی شاعرانه برداشته است. زبان، تخیل، موسیقی، ابعاد اندیشگی و دیگر عناصر شعری را به مراتب استادانه‌تر و دل‌نشین‌تر از «سوزه‌سوار» به کار می‌گیرد. به نظر می‌رسد اگر دوبیتی را قالب غالب سروده‌های خویش کند و همت خود را بر آن گمارد، در آینده‌ای نه‌چندان دور دوبیتی‌های فراوانی از او بر سر زبان‌ها بیفتد و نامش با دوبیتی لکی گره بخورد. ایدون باد!

دکتر احمد کنجوری

تیر ماه ۱۴۰۲